



در برنامه‌های ارتباطات توسعه

رادیو توسعه

جایگاه پخش

• لینچ مانیوزو
مترجم: محمدرشید صوفی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

بحثی که در ادامه می‌آید سعی می‌کند پاسخی برای سؤال زیر به دست دهد: اینکه «ما چگونه پیاده‌سازی (Praxis) پخش رادیوی توسعه را در برنامه‌های ارتباطات توسعه قرار می‌دهیم؟»
پیاده‌سازی به عملی میدانی اشاره می‌کند که به وسیله نظریه هدایت گردیده و براساس روشی مشخص به اجرا درمی‌آید. این مطالعه دارای دو هدف عمده است: در درجه نخست، به فهم این مطلب می‌پردازد که رادیو چگونه به عنوان ابزاری ارتباطی در توسعه، کاربرد دارد. در درجه دوم، این مطالعه درباره ارتباطات توسعه به ویژه رادیوی توسعه، به ارائه تعریف و طبقه‌بندی از کردارها و ساختارهای رادیویی می‌پردازد که به عنوان عملیات مشارکتی توسعه به‌کارگرفته می‌شوند. در این تحقیق، تمرکز اصلی بر رادیو سوتاتنزا (Sutatenza) در کلمبیا، شبکه رادیویی ماینرز در بولیوی و مکتب رادیو برای توسعه (school of Radio for Development) لاس‌باینوس (Los Banos) می‌باشد؛ مکتبی که به اعتقاد محقق، رشته رادیوی توسعه را آن‌گونه که امروز مطرح است، پی‌ریزی کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

این مطالعه سعی دارد صورت‌ها و کردارهای مختلف پخش رادیویی را در ارتباطات توسعه بگنجاند. کارین گوین ویلکینز و بلا مُدی (۲۰۰۱: ۳۸۵) در تعریف ارتباطات توسعه، آن را فرایندی از مداخله راهبردی به سمت تغییر اجتماعی می‌دانند که توسط نهادها و اجتماعات شروع شده است. نویل جایاویرا (۱۹۸۷: ۷۷) نیز ارتباطات توسعه را عبارت از استراتژی‌های ارتباطاتی کل یک جامعه یا قسمت ارتباطاتی برنامه توسعه یک ملت قلمداد می‌کند. از زمان ظهور پارادایم مسلط توسعه، اعتقاد بر این بوده که ارتباطات همراه با مشارکت اجتماعی بعد بسیار مهمی از اعتلای

توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد (بِسِت و راجاسوندران، ۱۹۹۶؛ کادیز، ۱۹۹۴).

امروزه ارتباطات توسعه، متأثر از آموزه‌های انتقادی پائولو فریره، به توصیف گروهی از رویه‌ها می‌پردازد که ابزارهای ارتباطاتی مشارکتی را در فرایندها و ساختارهای تصمیم‌گیری با هدف بهبود معاش و ارتقای عدالت اجتماعی به خدمت می‌گیرند (همان و کوپرال، ۲۰۰۲).

این مقاله با هدف پاسخ‌دهی به این سؤال که چگونه پخش رادیویی به عنوان ابزاری برای توسعه مطرح شد، به بررسی مکاتب فکری مختلف در زمینه ارتباطات توسعه می‌پردازد. به اعتقاد نگارنده این مقاله، بیش از آنچه نهاد‌های برتن وودز (Woods

Bretton) با اختصاص سرمایه به پروژه‌های رادیویی در راستای اهداف توسعه به مطرح شدن پخش رادیویی در مباحث توسعه کمک کرد، این دانشکده کشاورزی دانشگاه فیلیپین و رادیو سوتاتترا در کلمبیا بودند که به‌کارگیری نظام‌مند رادیو را به عنوان مداخله‌های مشارکت‌مدار توسعه مطرح نمودند.

ارتباطات توسعه: مکاتب فکری

اولین مکتب در زمینه ارتباطات توسعه، مکتب «برتن وودز» است؛ مکتبی که تاریخ شکل‌گیری آن به بعد از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد و با استراتژی بازیافت اقتصادی برنامه مارشال از ایالات متحده آمریکا، و سپس تأسیس بانک جهانی (Bank world) و صندوق بین‌المللی پول (IMF) در سال ۱۹۴۴ در همشایر آغاز گشت (ملکوت و ستیوز، ۲۰۰۱: ۵۱). کنفرانس برتن

کمک به آنها در پیشبرد یک زندگی بهتر بود (گوموچیو، ۲۰۰۱؛ وارگاس، ۱۹۹۵). مدل رادیو سوتاتترا که براساس سوادآموزی و ارتباطات توسعه به واسطه رادیو استوار بود، در دهه ۱۹۵۰ و حتی بعدتر از آن الگویی شد برای بسیاری از پروژه‌های ارتباطات توسعه در آمریکای لاتین، مانند آموزش - سرگرمی (education-entertainment) و آموزش انتقادی پائولو فریره.

توسعه مفاهیم رمان تلویزیونی و رمان رادیویی متأثر از الگوی آموزش - سرگرمی میگول سایدو (miguel subido) در دهه ۱۹۷۰ به عنوان واکنشی به افزایش فقر و حاشیه‌نشینی در مکزیکو رواج پیدا کرد؛ الگویی که در زمینه طراحی و تولید نمایش‌های آموزشی دارای رویکردی تغییرمحور بود و بر مضامین توسعه اجتماعی تمرکز داشت (ملکوت و ستیوز، ۲۰۰۱). این در حالی بود که از اواخر دهه ۱۹۶۰، فریره شروع به ارائه نظرات انتقادی خود درباره بررسی دوباره موضوع‌هایی نظیر روابط قدرت، مشارکت و

«مکتب آمریکای لاتین»
که در دهه ۱۹۴۰ ظهور
کرد، بر سه اصل استوار
بود: پخش رادیویی،
اصول مذهب کاتولیک و
سوادآموزی بزرگسالان.



محتوای آموزشی موجود در طرح سوادآموزی بزرگسالان کرده بود. این بررسی‌ها در نهایت به شکل‌گیری ارتباطات توسعه، مطالعات رسانه‌ها، توسعه مشارکتی و دیگر مطالعات رسانه‌ای و علوم انسانی منجر شد (فریره و هورتون، ۱۹۹۰).

مکتب سوم، «مکتب لاس باینوس» بود که پایه و اساس آن در دانشکده کشاورزی دانشگاه فیلیپین در لاگونا شکل گرفته بود. مشخصه اصلی این مکتب این بود که در طراحی و به‌کارگیری عملیات نظریه - محور، روشمند و منسجم در زمینه امتحان ابزارهای ارتباطاتی در اعتلای توسعه پایدار پیشقدم بود (کوبرال، ۱۹۷۵، ۱۹۸۸، ۲۰۰۲؛ لیبرو، ۱۹۸۵؛ جامیاس، ۱۹۷۵؛ گومز، ۱۹۷۵). در کنار مکتب لاس باینوس و به موازات آن، مؤسسه‌ها و سازمان‌های دیگر چون شرکت ارتباطات آسیا (سی.اف.ای)، مؤسسه مطبوعات فیلیپین، شرکت مطبوعات آسیا، مؤسسه

وودز در واقع شروع به‌کارگیری راهبردی و نظام‌مند ارتباطات در توسعه جهان سوم توسط کشورهای غربی بود. یونسکو، اف.ای.او، و دی.اف.آی.دی سازمان‌هایی هستند که سرمایه مورد نیاز بسیاری از پروژه‌های ارتباطات توسعه را در جهان سوم فراهم می‌کردند. شرکت بزرگ فورد (Ford)، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه ایالت میشیگان، اوهایو، ویسکانسین، لیدز، آیووا، کالیفرنیا، جنوبی، نیو مکزیکو، تگزاس، و آستین، بسیاری از محققان و عاملان ارتباطات توسعه در جهان سوم را تربیت کردند.

مکتب دوم، «مکتب آمریکای لاتین» بود که در دهه ۱۹۴۰ ظهور کرد. این مکتب بر سه اصل اساسی متمرکز بود که عبارت بودند از: پخش رادیویی، اصول مذهب کاتولیک و سوادآموزی بزرگسالان. در این زمینه، رادیو سوتاتترا در کلمبیا سکوی پرشی برای تقویت اقتصادی و اجتماعی گروه‌های در حاشیه جامعه و

آسیایی روزنامه‌نگاری، مرکز اطلاعات و تحقیقات ارتباطات جمعی آسیا، مؤسسه بین‌المللی تحقیقاتی برنج و دانشگاه سنگاپور و مالزی فعالیت داشتند (جامیاس، ۱۹۹۱؛ کوبرال، ۱۹۸۸؛ ماگالانگ، ۱۹۷۶). نورا کوبرال، که بعدها به سمت ریاست گروه ارتباطات توسعه در دانشکده کشاورزی دست یافت، در سال ۱۹۷۲ پیشنهاد داد تا یک دوره کارشناسی چندرشته‌ای در زمینه ارتباطات توسعه گذاشته شود. شورای دانشگاه فیلیپین در مارس ۱۹۷۴ با پیشنهاد وی موافقت کرد (کوبرال، ۲۰۰۲).

مکتب لاس باینوس تعریفی از ارتباطات توسعه به صورت «مطالعه ارتباطات انسانی» ارائه داد و به مفهوم‌سازی آن به عنوان توسعه روستایی و کشاورزی و پخش آموزشی پرداخت که هدف آن توده‌هایی از مردم بودند که از سطح پایینی از سواد و حداقلی از درآمد برخوردار بودند (کوبرال، ۱۹۷۵: ۳-۲؛ جامیاس، ۱۹۷۵: ۱۳). ویرجینیا سامونت که در دهه ۱۹۶۰ درباره تحقیقات ارتباطات توسعه در لاس باینوس می‌نوشت، در توصیف پژوهش‌های آن از اصطلاحاتی استفاده می‌کرد که امروزه با اصطلاحات فریره‌ای اشتباه گرفته می‌شوند؛ وی از تحقیقات ارتباطات توسعه به عنوان پژوهش‌هایی «مسئله‌محور، موضوع‌محور، چندرشته‌ای و برخوردار از استراتژی» اسم برد که در آن تحقیق «نظریه‌مند، روش‌مند و عمل‌گرایانه» بوده و نتایج آن در عملیات‌ها و نظریه‌پردازی استفاده می‌شد (سامونت، ۱۹۷۵: ۱۰۱، ۱۰۳ و ۱۱۱). به احتمال زیاد، مکتب پیشگام لاس باینوس در انجام پروژه‌هایش از ایده‌های فریره درباره آموزش انتقادی تأثیر نپذیرفته باشد، زیرا کتاب آموزش مظلومان اثر فریره در اواخر دهه ۱۹۶۰ به زبان اسپانیایی منتشر شده بود و نسخه انگلیسی آن تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در دسترس بیشتر محققان جهان نبود. علیرغم اینکه «آموزش انتقادی» در بردارنده دیدگاه‌های ارزشمندی هم در حیطه نظری و هم عملی در رابطه با ارتباطات توسعه است، اما منصفانه نخواهد بود اگر منشأهای نظری و روشی لاس باینوس در زمینه ارتباطات توسعه، ارتباطات برای توسعه یا ارتباطات برای تغییر اجتماعی نادیده گرفته شوند.

مکتب چهارم، یا «مکتب آفریقای انگلیسی‌زبان» (Anglophone) در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در میان جنبش‌های پسااستعماری و کمونیستی در آفریقا پا به عرصه وجود گذاشت. همین زمینه باعث شد تا تحصیل‌کردگان آفریقایی مفاهیم مهمی از قبیل فرهنگ، ارتباطات و توسعه را بازبینی کنند (ملا، ۱۹۷۱؛ کاملانگرا، ۱۹۸۸). بررسی تحقیقات اولیه در اتیوپی، غنا، مالاوی، زامبیا، نیجریه، تانزانیا و اوگاندا حاکی از به‌کارگیری رادیو و تئاتر در آموزش اجتماعی، سوادآموزی بزرگسالان، آموزش‌های بهداشتی و کشاورزی است.

در حالی که در مناطق فرانسوی‌زبان آفریقا رادیو روستایی بخشی از ارتباطات توسعه بود، در دانشگاه‌های آفریقای

انگلیسی‌زبان چند گام جلوتر رفته و صحبت از «تئاتر برای مردم» یا تئاتر برای توسعه در مناطق روستایی مطرح بود (کاملانگرا، ۱۹۸۸). «تئاتر برای توسعه» (تی.اِف.دی) اصطلاحی بود که به گروهی از روش‌ها اطلاق می‌شد که شامل به‌کارگیری آواز، نمایش و رقص که محرک‌هایی برای تحریک اجتماعات به بهبود شرایط فعلی‌شان بود. «تئاتر برای توسعه» خود شامل دو نوع تئاتر بود: تئاتر در آموزش و نمایش در آموزش. تئاتر در آموزش به تولیدات آموزشی اشاره دارد که بر اساس مضامینی است که یک اجتماع با آنها شناخته می‌شود. در این حالت، فرایند تولید عملی خصوصی است که توسط هنرمندان تهیه شده و توسط هنرمندان به روی سن می‌رفت. اما از طرف دیگر، «نمایش در آموزش» یا تئاتر اجتماعی، از رویکردی مشارکتی برخوردار است؛ به این صورت که اعضای اجتماع موردنظر در تمام فرایند تولید پیام‌های مؤثر بر زندگی‌شان مشارکت می‌کنند.

تاریخ ظهور و شکل‌گیری مکتب پنجم، «یا مکتب هندی»، به دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد. زمانی که «اجتماعات روستایی شنونده رادیو» در بیواندی شکل گرفته بودند تا به تولیدات رادیویی روستایی بومی در ماراچی، گوجاراتی و کانادا (Kannada) گوش فرا دهند (کومار، ۱۹۸۱: ۲۵۹). مشابه مورد فیلیپین، اندونزی و سریلانکا، این مکتب از مراکز دانشگاهی برای بررسی ارتباطات توسعه مدد گرفت. مراکز آکادمیکی که در این زمینه نقش برجسته‌ای داشتند، عبارت بودند از: دانشگاه پونا، مرکز مطالعات کشورهای در حال توسعه، دانشگاه دهلی، مؤسسه مسیحی مطالعه مذهب و جامعه و دانشگاه کیرالا. نکته برجسته درباره مکتب هندوستان این است که این مکتب نخستین ملاحظات نظری و عملی را در زمینه استفاده از نظام‌های دانش بومی در زمینه ارتباطات و رسانه‌های تکنولوژیکی وارد عرصه ارتباطات توسعه کرد.

مکتب ششم ملغمه‌ای از پنج مکتب پیشین است و به آن «مکتب ارتباطات توسعه مشارکتی» اطلاق می‌شود. این مکتب شباهت زیادی با مکتب مدرن برتون وودز دارد و با استطاعت مالی بیشتری در پیشبرد دوباره خط‌مشی ارتباطات توسعه تلاش می‌کند. علیرغم اینکه ارتباطات و توسعه مدرن -ضمن تأثیرپذیری از آموزش انتقادی فریره که محیط پیرامونش را در کانون توجه آموزش قرار می‌دهد- دارای ویژگی بارز برخورداری از روش‌ها و رویه‌های نظری متنوع است، اما هنوز حول محور تولید مشارکتی و به‌کارگیری دانش بومی به‌عنوان فرایندی جاری متمرکز است؛ فرایندی که در آن اجتماعات، خود مسیر پیشرفتشان را هموار می‌کنند (فریره و هورتون، ۱۹۹۰؛ مولنگا، ۱۹۹۹).

بنابراین تأثیر فریره در گزارش‌های ارتباطات توسعه امروز کاملاً آشکار است (کوبرال، ۱۹۸۸؛ کادیز، ۱۹۹۴).

کوبرال (۱۹۸۸: ۱۷-۱۰) با اعتراف به اینکه ارتباطات توسعه واقعاً قادر به تغییر مردم نیست» و فقط می‌تواند «به مردم کمک کند که با تلاش در مسیر روشنگری، خودشان را تغییر دهند»، در توصیفش از ارتباطات توسعه مدرن امروز، آن را به منزله کنش پژوهشی مشارکتی از به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بخشی از مداخله‌های توسعه روستایی به حساب می‌آورد. به‌طور مشابه، بانک جهانی ارتباطات توسعه را به‌صورت «به‌کارگیری ارتباطات استراتژیک در پروژه‌های توسعه» تعریف می‌کند. براساس مفاهیم فریوهای مبنی بر توافق سازنده، بانک جهانی مطرح می‌کند که «برنامه‌های ارتباطاتی حرفه‌ای طراحی - شده که مستقیماً در پی اهداف پروژه‌های توسعه هستند» حاکی از درک آشکاری از «دانش بومی» اند.

سخن‌پراکنی رادیویی و توسعه: تعریف مفاهیم

بانک جهانی متذکر می‌شود که رسانه‌های سخن‌پراکنی «می‌توانند نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی و فقرزدایی داشته باشند»؛ بیشتر با نظر به اینکه ۷۷٪ از جمعیت جهان به فناوری و رسانه‌های سخن‌پراکنی -بالاخص رادیو- دسترسی دارند (التسروت و کنی، ۲۰۰۳: ۱). به‌کارگیری شیوه‌های سخن‌پراکنی و استفاده از ابزارها و ساختارها برای حمایت آن در رسیدن به توسعه اقتصادی خرد و کلان از قاره‌ای به قاره دیگر فرق می‌کند. زمانی که بخواهیم مفاهیم و مدل‌های به‌کارگرفته‌شده در رادیو را که در توسعه مشارکتی (participatory development) دخالت دارند، مفهوم‌آفرینی کنیم به اصطلاحات مهمی مانند: سخن -پراکنی برای توسعه، توسعه پخش رادیویی، رادیو برای توسعه و توسعه رادیو برمی‌خوریم.

سخن‌پراکنی برای توسعه یا سخن‌پراکنی توسعه که حاصل پیشرفت وسایل ارتباطی و مخابراتی است ناشی از به‌کارگیری فناوری رادیویی و تلویزیونی به صورت آموزش غیررسمی است تا از تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده در اقتصادهای در حال توسعه حمایت کند (دانشکده لوس بانوس، n.d، جامیس، ۱۹۷۵؛ فلور، ۱۹۹۵؛ لیبررو، ۱۹۸۵؛ گومز، ۱۹۷۵). بنابراین توسعه رادیویی و تلویزیونی یک روش استراتژیک و مشارکتی تلقی شده که از همین روش برای توسعه نیز استفاده می‌شود. کریستینا رومو ژیل (۱۹۹۱: ۹۸ و ۹۱) اصطلاح «la Otra Radio» (یعنی رادیوی دیگر) را برای توصیف توسعه مخابراتی از طریق رادیو -یعنی به‌عنوان یک روش مستقل و مشارکتی برای مردم روستا و از طریق آنها- به‌کار می‌برد.

هدف از توسعه رادیویی و تلویزیونی، ایجاد ظرفیت محلی و قوام بخشیدن به ساختارهای تصمیم‌گیری آن مناطق و همچنین کاهش بی‌سوادی و فقر و در نهایت بهبود وضعیت اقتصادی و

اجتماعی آنهاست که یک تلاش همگانی و یکپارچه برای مناطقی است که توسعه نیافته‌اند و به اصطلاح منزوی (Marginalization) اند (انسو- کیه رمه، ۱۹۹۴؛ التسروت و کنی، ۲۰۰۳). اصطلاحات زیادی وجود دارد که برای تعریف روش‌شناسی (Methodologies) پخش برنامه‌ها در توسعه از آنها استفاده می‌شود: توسعه تلویزیون، تلویزیون برای توسعه روستایی، رادیو روستایی، رادیو قشر خاص (Community radio) یا رادیو مشارکتی (فلور، ۱۹۹۵؛ لیبررو، ۱۹۸۵؛ گومچیو، ۲۰۰۱؛ گومز، ۱۹۷۵؛ انسو- کیه رمه، ۱۹۹۴؛ التسروت و کنی، ۲۰۰۳؛ چین، ۱۹۸۸؛ وارگاس، ۱۹۹۵).

با در نظر گرفتن رادیو و پخش و توسعه برنامه‌ها از طریق آنها که روش -محور و از لحاظ نظری نیز مدبرانه و سودمند هستند، ابزارهای حمایتی در اختیار افراد قرار می‌گیرد که به «توسعه پخش برنامه‌های رادیویی» یا DRB (radio broadcasting development) موسوم است. (انسو- کیه رمه، ۱۹۹۴؛ وارگاس، ۱۹۹۵؛ چین، ۱۹۸۸). همانند توسعه مخابراتی و توسعه پخش برنامه‌ها، در مورد توسعه پخش برنامه‌های رادیویی نیز دو جهت‌گیری وجود دارد که اولی خواهان مشارکت روشمند و نظام-مند است و به شناساندن یک فرایند مشارکتی توجه دارد که از طریق آن «گروه‌ها بتوانند در این طرح، اجرا و ارزیابی روش‌ها شرکت و فعالیت کنند» (گوین ویلکینس و مودی، ۲۰۰۱: ۳۸۹). دومین جهت‌گیری خواهان مفهوم‌آفرینی (Conceptualization) «توسعه به‌عنوان یک فعالیت سیاسی» است که در آن DRB به مسائلی هم‌چون دموکراسی، حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، حقوق دسترسی و مشارکت می‌پردازد (همان؛ جایا ویرا، ۱۹۸۷، ص. ۸۸).

ریکاردو کستلو (n.d.: ۳ و ۴)، با اشاره به رادیو قشر خاص، توسعه پخش برنامه‌های رادیویی را اینگونه تعریف می‌کند: «DRB باید ابزاری برای پاسخ‌دهی به نیازهای ارتباطی گروه اجتماعی باشد که دارای ویژگی‌های مشترک هستند. [...] باید بتواند بر نقایص کشوری و مسئولان خصوصی آن فائق آید. [...] باید برای دسترسی و مشارکت در آن و مدیریت فردی حق و حقوقی فراهم آورد. باید بتواند اطلاعات درست و بموقع تهیه نماید. [...] هویت فرهنگی ایجاد کند. [...] خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی را بیان نماید. [...] وفاداری و روابط اجتماعی جدید ایجاد کند. [...] به گروه‌ها و قشرهای خاص جامعه قدرت تصمیم‌گیری و شرکت در مذاکرات بدهد تا بتوانند از این طریق بر محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار باشند. [...] باید فضایی فراهم کند تا افراد بتوانند دیدگاه‌های کثرت‌گرایی (pluralistic) شان را به همراه نیازها و آرمان‌ها -آنطور که شایسته یک جامعه روستایی است- به صورت آزاد بیان کنند. باید کانالی باشد برای تعامل و تعاطی افکار و بحث و گفت‌وگو

حول محور موضوعات فرهنگی، اجتماعی و آموزشی. باید وسیله‌ای باشد برای انتشار سریع مطالب و توزیع و پخش آن به مناطق دورافتاده و همچنین باید بتواند به زبان‌های گوناگون برنامه پخش کند.»

مسائلی که در DRB اهمیت دارند شامل فقر، مشارکت و حضور داشتن، رشد نیافتگی و کم‌توجهی اند که در دو سطح لحاظ می‌شوند: نخست، به‌کارگیری برنامه‌هایی است که تولیدشان به صورت متمرکز انجام می‌گیرد که در محدوده برنامه‌سازان عمومی و یا تجاری است، اما برنامه‌ها بعد از مشورت و هماهنگی با شنوندگان مورد هدف تهیه و تولید خواهد شد که به این روش، رادیو برای توسعه (Radio for development) (RFD) گفته می‌شود که با اصطلاحات دیگر نیز شناخته شده است؛ مانند پخش برنامه‌های آموزش در روستا، مخابرات، آموزش رادیو محوری در روستا و رادیو برای تغییرات اجتماعی (رادیو برای

رادیو، رادیو مشارکتی، روستایی، بومی و رادیو قشر خاص یا نام‌های دیگری از این قبیل گفته می‌شود (رومو ژیل، ۱۹۹۴؛ حین، ۱۹۸۸؛ التسروت و کنی، ۲۰۰۳؛ مولنار و میدوز، ۲۰۰۱). با مفهوم آفرینی توسعه رادیویی نوعی از پخش برنامه‌ها برای قشر خاص، الفونسو گوموچیو (۲۰۰۱: ۱۶) این نکته را متذکر می‌شود که چنین رادیویی به صورت کامل از مشارکت افراد در تهیه و پخش آن استفاده کند؛ مشارکتی که می‌تواند به صورت مالکیت کامل باشد تا درجات مختلفی از شنوندگان در آن بتوانند در مدیریت و برنامه‌ریزی آن شرکت کنند. «توسعه رادیویی» باعث فراهم آمدن رسانه دومی می‌شود که به گروه اقلیت کمک می‌کند تا بتوانند خبرها و اتفاقات مهم و متفاوت را پخش کنند. این کار آنها را قادر می‌سازد تا صحت و درستی نظریات غالب را امتحان و ارزیابی کنند (ماسانی، ۱۹۷۶: ۱۵۰). از لحاظ اهمیت، در توسعه رادیویی تأکید بر قدرت در روابط است. برای مردم منزوی که

مشخصه اصلی مکتب لاس باینوس این بود که در طراحی و به‌کارگیری عملیات نظریه-محور، روشمند و منسجم در زمینه امتحان ابزارهای ارتباطاتی در اعتلای توسعه پایدار پیشقدم بود.

رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه، ۲۰۰۲؛ لیبررو، ۱۹۸۵؛ فلور، ۱۹۹۵؛ گومز، ۱۹۷۵؛ گوموچیو، ۲۰۰۱؛ اسپانیا، جمیسون و مک کنی، ۱۹۷۷). RFD در نظر دارد بر روی تغییرات رفتاری تأثیر بگذارد و به صورت علمی و دانش فنی بتواند برای طبقه فقیر و بی‌سواد از طریق برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و آموزنده سودمند و مفید باشد. دوم به‌کارگیری ساختارهایی است که در آن پخش برنامه‌های رادیویی در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف جامعه انجام می‌گیرد و بعد از دیدن عکس‌العمل آنها، به صورت کامل و یا محدود کنترل و مدیریت برنامه‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهند که به این سیستم توسعه رادیویی گفته می‌شود. به این نوع سیستم از

می‌خواهند کنترل رادیو را در دست بگیرند چون نتوانسته‌اند در رادیوهای منطقه‌ای و ملی، به طور موفقیت‌آمیز عمل کنند، چنین انزوایی می‌تواند از لحاظ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم باشد.

توسعه پخش برنامه‌های رادیویی: مکاتب و مدل‌ها

همانند ظهور و پیدایش مخابرات، توسعه برنامه‌های رادیویی در چندین مکتب متفاوت تکامل یافت: کلمبیا - بولیوی، برتون وودز، لوس باینوس، فرانکو فون افریکن، برتون وودز، و فریرین.

- مکتب رادیوی توسعه کلمبیا - بولیوی: کرت جان حین (Kurt John Hein) (۱۹۸۸: ۷) منشأ آن را در شبکه رادیویی سوتانتزا کلمبیا می‌داند. ساخت این دانشکده به زمان‌های خیلی قبل - یعنی ۱۹۴۷ - برمی‌گردد؛ هنگامی که شبکه رادیویی سوتانتزا را روحانی رومی کاتولیک به نام جوز سال سیدو گوارین بنا کرد. این شبکه رادیویی توجه زیادی به مشارکت مردم از طریق اطلاعات کشاورزی و آموزشی آزاد مخصوصاً از طریق لاس اسکیولاس ریدیو فونیکاس داشت که خود یک دانشکده رادیویی مشارکتی بود (گوموچیو، ۲۰۰۱؛ اسپانیا، جمیسون و مک کنی، ۱۹۷۷). مفهوم و روش لاس اسکیولاس ریدیو فونیکاس بیشتر از طرف سازمان فرهنگی اسیون (Accion) که به سبک شهر بوگوئا عمل می‌کرد حمایت می‌شد که هدف از ایجاد این سازمان توسعه و متنوع‌ساختن و نوآوری‌های آموزشی از راه دور بود (گوموچیو، ۲۰۰۱: ۳۹).

خاطر مسائل مالی بسته شد، شبکه توانسته بود یک طرح کلی از توسعه رادیویی را که مردم در آن مشارکت داشتند به همراه یک نمونه از پخش برنامه‌های آموزشی در روستا تهیه نماید که در آن افراد بومی به صورت مساوی و کامل شرکت داشتند (همان). در بولیوی یک شبکه رادیویی به نام ماینرز (Mineras) در ۱۹۴۹ تأسیس شده بود. این شبکه که با یک ایستگاه رادیویی در کاتاوی آغاز به کار کرده بود، بعداً شبکه‌های کوچک‌تر دیگر نیز به آن ملحق شدند و در دهه ۱۹۷۰ با عدد ۲۶ شماره‌گذاری شد. اگرچه رادیوهای شبکه بسیار کوچک و از نظر تجهیزات ضعیف بودند ولی با موفقیت توانستند وارد زندگی روزانه مردم شوند که این موفقیت نه فقط به خاطر قدرت بالای کارمندان شبکه ماینرز بلکه به خاطر توانایی این شبکه بود (همان: ۴۷-۴۵): «قدرت اجتماعی اتحادیه‌های اجتماعی را بیشتر می‌کنند. [...] دغدغه‌های اصلی نوآوری‌های اصلی ایستگاه‌های رادیویی ماینرز

سخن‌پراکنی برای توسعه که حاصل پیشرفت وسایل ارتباطی و مخابراتی است، ناشی از به‌کارگیری فناوری رادیویی و تلویزیونی به صورت آموزش غیررسمی است تا از تغییرات اجتماعی برنامه‌ریزی شده در اقتصادهای در حال توسعه حمایت کند.

مربوط به مشارکت افراد از نظر فناوری، مدیریت، رضایت و خدمت به این گروه‌هاست. [...] در تمام مراحل توسعه‌شان آنها مستقل و به صورت فردی حفظ و مدیریت می‌شوند و کاملاً در خدمت مردمشان یعنی سلاقی و علایق مردم بولیوی هستند. [...] آنها از طریق ماینرز، تجهیزات و زیرساخت‌هایی که توسط خود کارگران هزینه آن تهیه شده، برنامه‌ریزی و ترغیب می‌شوند.» در دهه ۱۹۸۰، شبکه رادیویی ماینرز با مشکلات سیاسی و اقتصادی بزرگی دست و پنجه نرم کرد، به طوری که دولت مجبور شد بسیاری از برنامه‌های دولتی خودش را تعطیل کند که این امر منجر به تضعیف اتحادیه‌ها شد (گوموچیو، ۲۰۰۱). امروز مشابه قضیه رادیو ماینرز یعنی از لحاظ خود مدیریتی و مشارکتی، در

شبکه رادیویی سوتانتزا یک نوع احکام آزاد و لیبرال را ارائه داد که کمونیسیم، اعتیاد به الکل و معماهای اجتماعی دیگر را از طریق تفاهم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی واقعی و احتیاجات فرهنگی آن مردم نمی‌پذیرفت و رد می‌کرد (همان: ۱۸). بنابراین شبکه رادیویی سوتانتزا خود را درگیر پیکار سوادآموزی گسترده‌ای کرد که توسط چاپ ژورنال ال کمپسینو (El campesino)، کتابخانه‌های روستایی، مدارس و درس‌نامه‌های آموزشی کشاورزان - که بر بهداشت، حساب، دستور، نگارش و خواندن تأکید داشت - گسترده‌تر می‌شد. در این روش همچنین به کشاورزی و مسائلی همچون هویت و عزت نفس توجه می‌شد (گوموچیو، ۲۰۰۱). در ۱۹۹۰ زمانی که شبکه رادیویی سوتانتزا به



رادییوی مردمی لاکومتای (Lacometa) کلمبیا اتفاق افتاده است که پنجاه داوطلب همیشگی و دائم داشت. شبکه‌ای که در سال ۱۹۹۷ متولد شد و ۱۴ سازمان در مالکیت آن سهم داشتند و به صورت تخمینی ۴۱۰۰۰ شنونده داشت و چون هیچ‌گونه تأمین‌کننده مالی به صورت ملی و بین‌المللی در اختیار نداشت به خاطر وفاداری مردم و جامعه توانست پا برجا بماند و به همین خاطر کاملاً به همکاری و کمک‌های مردمی وابسته بود که حدوداً سالانه ۴۰۰۰۰ دلار به این شبکه کمک می‌کنند (رادییو برای توسعه، ۲۰۰۲: ۳).

- **مکتب رادیویی برتون وودز** مورد حمایت و کمک شایان توجهی از طرف یونسکو و بالاخص از طرف NWICO بود؛ سازمانی که سعی می‌نمود ساختارهای پخش برنامه‌ها و رسانه‌ها را تمرکززدایی کند و برای جلب رأی آنها فعالیت می‌کرد. در دهه ۱۹۷۰، شبکه‌های رادیویی کشورهای جهان سوم مورد هجوم متن‌های رسانه‌های کشورهای غربی و تحت سیستم‌های مخابراتی دیجیتالی آنها قرار گرفته بود. دانشمندانی که در توسعه جهان سوم نقش دارند هشدار داده‌اند که حتی در بین خود کشورهای جهان سوم پیشرفت اطلاعات و فناوری ارتباطات و رسانه‌ها (ICT) نیمکره جنوبی و حتی خود جنوبی‌ها را منزوی و گوشه‌گیر خواهد کرد، برخی گروه‌ها حتی بیشتر منزوی شده، تبدیل به «دایره‌های هم‌مرکزی» (concentric circle) می‌شوند که در «حاشیه قرار می‌گیرند» (آدجی، ۱۹۹۳: ۱). کنفرانس ۱۹۷۷ یونسکو در بلگراد (یوگسلاوی) با گردهم‌آوردن متخصصان ارتباطات از سراسر دنیا سعی داشت تا با ارائه دیدگاه‌ها و نظرات بتواند به تعریف و شفاف‌سازی مفاهیم مربوط به رسانه‌ها بپردازد. (حین، ۱۹۸۸: ۲ و ۳)

جوان دیاز بوردناو، سخنگوی کنفرانس در صراحت کامل افزایش دسترسی به ICT و مشارکت هر چه بیشتر مردم روستا را در این زمینه تقاضا کرد. به دنبال آن در سال ۱۹۷۸ کنفرانس دیگری در این زمینه در کیتو - پایتخت کشور اکوادور - انجام گرفت که به دنبال آن گردهمایی دیگری در دهه ۱۹۸۰، ۹۰ و اخیراً تشکیل شد که پایگاه اطلاعاتی بزرگی برای کمک به مردم روستا به شمار می‌آمد تا بتوانند از سیستم‌های رسانه‌ای ارزان‌قیمتی استفاده کنند که متعلق به هیچ «سیستم و گروه اجتماعی و سیاسی غالب و برتری نباشند» (همان: ۵).

به صورت طعنه‌آمیز، همان مؤسسه‌های برتون وودز به صورت قابل توجهی از طریق تمرین و آزمایش توانسته‌اند ماهیت و شکل توسعه شبکه‌های رادیویی فررین را با همکاری سازمان‌های دیگر که به صورت مشارکتی و با کمک قشرها و گروه‌های خاص حمایت می‌شد روشن و شفاف سازند؛ یعنی با کمک افرادی که در سلامتی، مدیریت جنگل‌ها، کشاورزی و شکل‌های دیگر توسعه روستایی مداخله و همکاری می‌کردند.

- **مؤسسه رادیویی توسعه لاس باینوس**: رادیوی **DZLB** لاس باینوس که بر پایه UPLB توسعه یافته است، هنگامی که در اوت ۱۹۶۴ روی آنتن رفت، نمونه خوب پخش برنامه‌های آموزشی رادیو در روستا تلقی می‌شد، به طوری که «نام آن را صدای روستا گذاشتند» (لیبرو، ۱۹۸۵: ۲). با همکاری گروه‌های تحقیق و کارشناسی سازمان‌ها و افراد ذیصلاح بالاخص کسانی که مستقیماً در تهیه برنامه‌های آموزشی راجع به کشاورزی بومیان شرکت داشته‌اند، به رادیوی **DZLB** کمک کردند تا در تهیه «بسته‌های کامل اطلاعات توسعه‌ای به شنوندگان موفق شود» (همان: ۸). جدا از انتشار و پخش اطلاعات، رادیوی **DZLB** تلاش‌های خود را در به‌کارگیری آزمایشگاه‌های پخش برنامه‌های آموزشی در روستا متوجه ساخت، درحالی‌که هم‌زمان در حال تحقیق و پژوهش درباره ارتباطات و چگونگی استفاده مؤثر آن برای برنامه‌های آموزشی غیررسمی هم هست تا تعلیمات لازم را در اختیار برنامه‌ریزان رادیویی که در روستا هستند قرار دهد (همان).

موقعیت و محل برنامه‌های رادیویی برای توسعه، همان‌گونه که لیبرو (۱۹۸۵: ۱۷) می‌گوید، بر پایه فلسفه آموزش مشترک قرار دارد: «رادییو وسیله‌ای آموزشی است که باید به‌طور غیررسمی به‌کار رود، با ذکر این نکته که اکثر مردم باید به موقعیت فعلی‌شان در توسعه آموزشی و میزانی از درک و شعور برسند تا بتوانند به برنامه‌ریزان رادیو کمک کنند تا نیازهایشان مرتفع گردد. [...] موفقیت پخش‌کنندگان برنامه‌های رادیویی به دو عامل یکسان و مهم وابسته است: دانش و درک موضوع، و کسی که می‌تواند مردم را درک کند. [...] که این امر از طریق برنامه‌هایی که توسط شنوندگان و مردم تهیه می‌شود امکان‌پذیر است، نه اینکه صرفاً خود کسانی که مسئول پخش برنامه هستند بدون مشارکت مردم دست به برنامه‌ریزی و تهیه آن بزنند.»

مؤسسه هندی برنامه‌های رادیویی، برای توسعه روستا در دهه ۱۹۵۰، و با همکاری مؤسسه وودز برتون سازمان یونسکو، و دولت هندوستان شبکه رادیویی راه‌اندازی نمود که در آن گردهمایی و جلسات برای تبادل اندیشه‌ها برگزار می‌شد و به چارچا مندلز معروف بود و برای اولین بار در شهر پون آغاز به کار کرد (کومار، ۱۹۸۱). سرینیواس ملکوت و اچ. لیلی استیوس (۲۰۰۱: ۵۱) مشاهده نمودند که با چنین گردهمایی‌هایی، ایستگاه‌های رادیویی محلی «ترکیب کل به جزء» از اطلاعات مهم توسعه روستایی را تهیه کردند که از طریق مباحثه‌ها و گردهمایی‌ها، به شبکه مخابراتی افق انتقال یافته است. راه‌اندازی تلویزیون ماهواره‌ای آموزشی و آزمایشی (SITE) در کشور در میانه دهه نود و پروژه مخابراتی کهدا (Kheda) به صورت رسمی هندوستان را در بین گروه‌های شرکت‌کننده در توسعه مخابراتی قرار داد. کوال کومار (۱۹۸۱: ۲۶۲-۲۶۰) متذکر می‌شود که با چنین

نوآوری‌هایی هندوستان موفق شده است که هم توسعه تلویزیونی و هم تلویزیون برای پروژه‌های توسعه‌ای را با کمک ماهواره آمریکایی مؤسسه برتون وودز یعنی ATS-6 توسعه دهد. این عمل توسط دستگاه‌های تلویزیونی که در مدارس روستا تأسیس می‌شد انجام می‌گرفت و برنامه‌ها مستقیماً از طریق ماهواره‌های محلی دریافت می‌شد. پروژه‌ها و برنامه‌هایی که توسط مشارکت مردم باقی مانده بود، شامل موضوعات محلی و عمومی راجع به جهیزیه، ازدواج مجدد بیوه‌ها، قدرت و اختیار زنان، ازدواج زودهنگام و مطالبی از این قبیل می‌شد. (همان)

امروزه، مؤسسه هندی موفق به بسط و استفاده زیاد از HCTها در توسعه و پیشرفت شده است که با کمک بسیاری از پروژه‌های تلویزیونی مرکزی اجرا شده است. این مؤسسه حتی توانسته است



در همکاری با روش‌شناسی‌های علم انسان‌شناسی و مفاهیم آن در توسعه مخابراتی سرآمد باشد، چون از طریق آن توانسته است از ویدئو بومی حمایت کند و به بیسوادهای زیادی نیز آموزش و تعلیم دهد و به آدم‌های منزوی همچون معلولان کمک کند تا از برنامه‌های ویدئویی که به تنهایی پخش می‌شوند استفاده نماید. بنابراین، مؤسسه موفق شده است تا از رادیو که زمانی تصور می‌شد فقط می‌تواند مردم را به کمی نابکاری منحرف سازد تغییر جهت دهد و بر تغییرات اجتماعی که به‌عنوان فرایند و گفتمان است، تأکید کند.

- مؤسسه آفریقایی فرانکفون که در پخش برنامه‌های رادیویی و روش‌های آموزش و توسعه آن فعال است از لحاظ تاریخچه به روزهای استعماری برمی‌گردد؛ زمانی که بسیاری از

دست‌اندرکاران دولتی آن در شکل‌های گوناگونی از آموزش غیررسمی و مبتنی بر رادیو درگیر بوده‌اند (Ilboudo, 2003; p.200). در آفریقای بعد از استعمار، وزارت کشاورزی که مسئول این رادیو بود برنامه‌هایی را تنظیم و پخش کرده بود که راجع به سوادآموزی جوانان، بهداشت و سلامتی، پرورش حیوانات، کشاورزی و کنترل خاک بود که روش غالب و اصلی کلپ‌های شنیداری در رادیوی روستا به‌شمار می‌آمد (Kyeremeh; 1994; Ansu, 1988; Kamlongera, 2003; Ilboudo).

با وجود این، فرانکوفون و آفریقای غربی در توسعه رادیوی روستایی و باشگاه‌های رادیویی پیشقدم بودند و به همراه کشورهای دیگری همچون سنگال، بنین، مالی، کامرون، غنا و برکینافاسو از دیگران پیشی گرفته بودند و هنگامی این مرکز برای مطالعه و تحقیق روستایی‌اش در اواخر دهه ۱۹۷۰ در اوآگادگو (Ouagadougou) که معروف به مرکز بینال آفریقایی دتود اون رادیو رورال (CIERRO) بود، تأسیس شد. این منطقه توانست موقعیت رادیویی روستایی‌اش را قوت بخشد. در رواندا و تانزانیا در دهه ۵۰ و ۶۰ دو کنفرانس برگزار شد که بر ضرورت فهم و تمرین رادیوی روستایی به‌عنوان توسعه‌دهنده در صحنه و تصویر آفریقایی تأکید فراوان داشت (البودو، ۲۰۰۲: ۴۳). دولت تانزانیا دو مبارزه رادیوی ملی آموزشی جوانان را راه‌اندازی کرد: اولی اچانگیزی نی واکو (Uchanguzi ni Wako) که به‌معنای «انتخاب مال شماس» است و دومی در سال ۱۹۷۳ به نام ام تو نی افیا (Mtu ni Afya) به‌معنای «انسان تندرست است» می‌باشد و رسانه‌ای است که راجع به سلامتی و تندرستی، برنامه پخش می‌کند که البته همه آنها بر پایه بینش طرح توسعه پنج‌ساله ۱۹۶۹ تانزانیاست (هال و دودز، ۱۹۷۷: ۲۶۱ و ۲۶۲).

امروزه، روش‌های رادیوی روستایی فرانکوفون آفریقا محبوبیت بیشتری نسبت به نوع آفریقا آنگلوآفون دارد. برای نمونه، کشور بنین رادیوهای متعلق به گروه‌های خاصی از جامعه را در Lalo، Banikoara، Ouaké، Ouésé، و Tanguiéta دارد. تیلو گرتس (Tilo Gratz) (۲۰۰۰: ۱۱۰ و ۱۱۱) متذکر می‌شود که ایستگاه‌های رادیوی محلی که به زبان‌های مختلف برنامه پخش می‌کنند در ۱۹۹۴ در کشور بنین شروع به فعالیت کردند که «هدفشان توسعه و بهبود راه‌های دسترسی به اطلاعات و ترویج نوآوری‌ها برای جمعیت روستایی است». اگر چه برنامه‌ریزان دولتی با کمک‌های مالی دولت آلمان در دهه ۱۹۶۰ شروع به پخش برنامه‌ها به زبان‌های مختلف نمودند، ولی شروع به کار اصلی این سازمان در سال ۱۹۹۶ بود. با توجه به کنترل و برنامه‌ریزی، گرتس (۲۰۰: ۱۱۱) یادآور می‌شود که: «از لحاظ ساختار اجرایی و حقوقی، این ایستگاه‌ها باید شدیداً مستقل باشند و به هیچ گروه سیاسی و دولتی نیز، وابستگی نداشته باشند و همچنین نباید به‌صورت شرکت‌های خصوصی عمل کنند. [...] هر ایستگاه رادیویی باید به‌وسیله یک انجمن محلی اداره شود و یک کمیته منتخب آن را

تحت سرپرستی قرار دهد [...] و فردی غیر از مدیر ایستگاه باید مدیریت آن را به عهده بگیرد و هر ایستگاه باید توسط یک گروه پنج نفره اداره شود. [...] کمیته و مدیریت آن از طریق مجمع عمومی انتخاب می‌شود که شامل نمایندگان همه گروه‌ها و سازمان‌های محلی می‌شود و خود نماینده ایستگاه شامل این گروه می‌شود و نمایندگان بسیاری از واحدهای اجرایی را رادیو تحت پوشش قرار می‌دهد. [...] برنامه‌ها می‌بایست فارغ از بیانات و نظریات سیاسی می‌بود [...] واحدهای مسکونی ایستگاه رادیو باید از طرف مردم محلی تهیه می‌شد، یعنی اینکه از آنها خواسته می‌شد که برای پرداخت هزینه‌ها پول جمع‌آوری کنند. [...] تأمین مالی آن از طریق عملیات مستمری که توسط آژانس‌های دخیل در توسعه انجام می‌گرفت و کمک‌های مالی دیگر که از طریق تبلیغات، پیام‌های بازرگانی و از این قبیل جمع‌آوری می‌شد به دست می‌آمد.»

با وجود این، راه‌اندازی این ایستگاه‌ها سبب بروز مشکلات اقتصادی، سیاسی، منطقی و حقوقی از سال ۱۹۹۴ شده است. برای مثال، رادیوی تنکوئیتا (Tanguieta) طبق گفته‌های گرتس باعث مسائلی همچون تجهیزات یابی شده است، چون کمیته‌ها راجع به مکان واقعی آن بسیار جر و بحث کردند، بالاخص زمانی که آژانس‌های اهداگر و مسئولان دولتی جایی را که مورد علاقه خودشان بود، پیدا کرده بودند (۲۰۰۰: ۱۱۳). بعد از آنکه دوباره به موضوع پیدا کردن جا پرداختند، مسائل دیگری مانند تعریف یک سازوکار مالی و همچنین تأسیس یک مکانیزم مالی جامع برای رادیو مطرح شد (همان). سپس رادیوی تنکوئیتا از طریق پخش برنامه دوزبانه کار خود را آغاز نمود که بعدها بیشتر توسعه یافت و توانست برنامه‌های شش‌زبانه پخش کند. چالش‌های قومی و قبیله‌ای و مسائل مالی و سیاسی، کار برنامه‌ریزان را مشکل‌تر ساخت؛ مسائلی که سبب کاهش اعتبار برنامه‌های رادیویی شد و آن را تبدیل به «یک چیز سمبلیک از مشاجرات و بگو مگوها» نمود که در آن «تلاش صریحی برای فعالیت‌های سیاسی» انجام می‌شد و «تنش‌های شدیدی بین گروه‌ها» درمی‌گرفت (همان: ۱۱۵ و ۱۱۶). با کمک‌های مالی که از طرف یک سازمان غیردولتی (NGO) آلمانی شده بود، ایستگاه توانسته بود برنامه آموزشی مناسبی راجع به سیاست برای شهروندان تدارک ببیند که در آن، آن سازمان غیردولتی دو نفر از اعضا را برای شرکت در تهیه برنامه‌های آموزشی به اینجا فرستاده بود. برنامه‌های دیگر شامل رویدادها، اخبار و اطلاعات و همچنین برنامه‌هایی شامل تبلیغات، موسیقی، راهنمایی‌ها و تبریک و خوشامدگویی‌ها می‌شد.

در بورکینافاسو، از ایستگاه‌های محلی در توسعه و نوآوری‌های فرهنگی استفاده شده است. با ایجاد مفهوم‌سازی، پخش‌کننده برنامه‌های رادیوی ملی و دولتی اور بین نومبر (۲۰۰۰:

۸۵) با نام رادیوی مادر یک بررسی و نگاه کلی و تاریخی به رادیوی روستا در این منطقه نمود که با اصطلاحی که خودش می‌نامید یعنی «ایستگاه خواهر» در ۱۹۶۲ با نام بوبو دیو لاسو (Bobo Diolasso) ظاهر گشت. با وجود این، نومبر (۲۰۰۰: ۸۵) اظهار تأسف می‌کند که به جای ساخت برنامه‌هایی که «منعکس‌کننده واقعیت‌ها و دل‌نگرانی‌های شنوندگان بالقوه‌اش است» رادیو بوبو فقط یک ضمیمه و مکمل برای برنامه‌ریزان دولتی‌اش بوده است. بعد از سال ۱۹۶۹، رادیوی مردمی دیگری توسط دولت با کمک‌های مالی جمهوری آلمان تأسیس شد که در تولید و تهیه بسیاری از برنامه‌های زبان‌های بومی آن مناطق نقش بسزایی داشت. به خاطر آشوب‌های سیاسی و همچنین پایان ثبات و پایداری اقتصادی جمهوری آلمان در ۱۹۸۵، برنامه‌سازان نتوانستند سفرهای حوزه‌ای خودشان را به انجام برسانند، بالاخص آنکه دولت برکیناب (Burkinabe) «نتوانست در برگرداندن و ایجاد ثبات مالی در رادیوی روستا موفق شود»

مشارکت واقعی را نمی‌توان از طریق تعیین اهداف و پروژه‌ها به صورت ثابت و باید‌ها و نباید‌ها درک نمود، بلکه این امر باید از طریق فرایندهای دیالوگ-محور و گفتگویی با افراد انجام شود.

(همان). در نتیجه، برنامه‌ریزان برنامه‌هایی را در استودیو تولید و تهیه کردند که بیشتر آن راجع به گزارش‌های متخصصان توسعه بود. تلاش‌های دولت برای قانونی کردن تمرکززدایی و اصلاحات در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ با کمک‌های مالی خفیف از دولت هلند، تنها درباره رادیوهای دولتی صادق بود که تأمین‌کننده مالی آن خود دولت بود و البته، ایستگاه‌های رادیوی محلی در آن نقش داشتند (همان: ۸۶ و ۸۷).

- مکتب فریره و پخش برنامه‌های رادیوی توسعه: با کمک‌های مالی و بودجه‌ای مؤسسه معروف برتون وودز، رادیو مکتب فریره توانسته است نقش عمده‌ای در ارائه برنامه‌هایی داشته باشد که به سمت توسعه جهت داده شده‌اند که با همکاری و مشارکت نسبی شنوندگان هدف است. اولین نوع آن میزگردهای رادیویی با ساختارهای سازمان‌یافته‌ای است که از طریق شنوندگان مورد نظر سازمان یافته‌اند تا شنیدن برنامه‌ها را راحت‌تر سازند. کواسی انسو-کیه رمه (۱۹۹۴: ۱۰۱ و ۱۰۲) برای اشاره به چنین میزگردهایی که هدف آنها تبادل نظر و اندیشه است، اصطلاح «توسعه پخش برنامه‌های روستایی» را مطرح می‌کند که به‌خاطر متمرکزبودن

سازمان و کارهای اجرایی و همچنین [به‌خاطر] کاستی و ضعف‌شان در به‌کارگیری سبک‌های ارتباطی سیستم‌های دانش بومی‌شان آنها را رد می‌کند. در ۲۰۰۳ در اوگاندا، وزیر بهداشت تحت پروژه توسعه کودکان زودهنگام و تغذیه‌شان (NECDP) و با همکاری رادیوی بریتانیا که زیر نظر گروه مشاور رسانه‌ای طرح توسعه قرار دارد، شروع به استفاده از باشگاه شنیداری رادیو کرده است تا یک مبارزه سوء تغذیه‌ای در مقابل سوء رشد کودکان انجام دهد. سوء رشد در میان بچه‌های اوگاندایی مسئله‌ای بسیار جدی است و تقریباً ۴۰٪ جمعیت ۲۵ میلیونی آنها مبتلا به چنین عارضه‌ای هستند. ۲۵ کلپ رادیویی در ۱۱ منطقه از این کشور راه‌اندازی شد که به صورت فعال در زمینه بهبود محتوای برنامه‌های رادیویی که به دو زبان رونی انکول (Runyankole) و لوگاندا (Luganda) پخش می‌شود فعالیت می‌کنند (رادیو برای توسعه، ۲۰۰۳: ۱). این شبکه طیف وسیعی از موضوعات مختلف را در برمی‌گیرد، مانند سالم‌بودن مواد غذایی، بهداشت، نظافت، رفتار درست والدین، استفاده از مکمل‌های غذایی و بهبود رشد بچه‌های زودهنگام (رادیو برای توسعه، ۲۰۰۳: ۱). برای بیشترین تأثیرگذاری، ستاد ارتباطات NECDP از سه استراتژی استفاده کرده است: آگاه‌سازی و حساس‌سازی، که به همراه آموزش و ارائه اطلاعات است و در نهایت تشویق و ترغیب که در آن استراتژی‌های اصلی رادیویی درگیر یک سری از برنامه‌های مجله‌ای شکل می‌شوند.

دوم آن که رادیوی توسعه‌ای مکتب فریره از طریق پخش برنامه‌های آموزشی پیش گرفته می‌شود و مستلزم استفاده از فناوری پخش به صورت غیررسمی است که از طریق اصول و برنامه‌های مناسب و خوب طراحی شده، هدایت و راهنمایی می‌شود (مؤسسه لوس بانوس، n.d).

هدف به‌کارگیری سبک‌ها و فرمت‌های برنامه‌ای مجزا که از مجله گرفته تا نمایش و دراما را شامل می‌شود، ایجاد انگیزه در بین مردم برای بهبود وضعیت کشاورزی و بهداشت است که مدل‌های نظری خاصی از تغییر رفتار و بازاریابی اجتماعی را در برمی‌گیرد، مانند استراتژی ارتباطی HIV/AIDS آفریقای جنوبی و یا مدل فرایند - پ که مربوط به رسانه بهداشت آمریکایی است که همه آنها مستلزم تحقیق و پژوهش، تعیین اهداف، شاخص، اجرا، کنترل و ارزیابی است.

سوم این که، در دنیای مدرن امروز، هنگامی که کارورزان می‌خواهند به شنوندگان روستایی توجه داشته باشند، رادیو برای توسعه آن مستلزم ژورنالیسم توسعه (گردآوری و پخش و تدوین خبر از طریق رادیو، تلویزیون و چاپ) است که به آن ژورنالیسم یا خبرپراکنی روستایی گفته می‌شود. برای رسیدن به چنین هدفی، لازم است به تهیه و تولید برنامه‌هایی بپردازیم که آموزشی، فرهنگی و آگاه‌کننده بوده، مورد توجه گروه‌های خاصی مانند

کشاورزان، زندانیان، زنان یا بچه‌ها باشند (جمیس، ۱۹۹۱). دامنه این روش‌ها از مستند گرفته تا مجلات و برنامه‌های خبری را در برمی‌گیرد، همچنین گروه‌های دینفعی که تا حدودی این اختیار را دارند که در سبک و طبیعت برنامه‌های تولیدشده دخالت داشته باشند. در بعضی از موارد، خود شنوندگان نوع موسیقی را که دوست دارند انتخاب می‌کنند، اما معمولاً، هدف، زمان و ترتیب برنامه و تصمیم‌گیری راجع به آنها به عهده مسئولان پخش آن است.

چهارم اینکه رادیوی مکتب فریره تحت فرمت‌های آموزشی اما غیر کلاسی که به آن مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن (school-on-the-air) گفته می‌شود، سازماندهی و اجرا شده بود (فلور، ۱۹۹۵؛ لوکاس، ۱۹۹۹؛ لیبرو، ۱۹۸۵). فلیکس ریبرو (۱۹۸۵: ۶۷) مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن را به‌عنوان «یک برنامه رادیویی که به صورت خاص طراحی شده باشد» توصیف می‌کند؛ جایی که مطالب مورد بحث به صورت نظام-یافته و مستمر ارائه می‌شود با این هدف که نتایج مورد دلخواه تحت یک موقعیت معلم-آموزشی به هدف غائی خودش برسد. لیبرو مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن را هدفمند، شنونده-محور، خدمات-محور، تحقیق-محور، مشارکتی و مدبرانه با اهدافی که خوب تعریف شده است می‌داند و توصیف می‌کند که در آن خود رادیو باید مردم را به‌عنوان افراد، خانواده و جماعتی معرفی کند که در تشخیص نیازها و مشکلات، یکدیگر را یاری می‌رسانند و با همدیگر کار می‌کنند و به آنها «کمک کند تا بتوانند اهداف خود را تعیین کنند» و در مورد «دانش فنی با همدیگر مشورت کنند» (لیبرو، ۱۹۸۵: ۲۲-۱۸).

از طریق مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن، آموزش غیررسمی و آگاه‌کننده راجع به جوانب فنی و تکنیکی کشاورزی، بهداشت و مدیریت منابع طبیعی برای گروه‌های بی‌سواد و رشدنکرده ارائه می‌شود. در فیلیپین، برنامه مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن برای بسیاری از روستائیان مفید و سودمند بوده است. برای مثال رادیوی DZJO با مؤسسات رادیویی روستا همکاری می‌کند که به کشاورزی و حفاظت و مدیریت خاک توجه دارد (لوکاس، ۱۹۹۹: ۸ و ۹). دانشگاه رادیویی فیلیپینی DZLB در زمینه مؤسسات رادیویی غیررسمی و تئوری محور پیش‌قراول شده است، هنگامی که در سال ۱۹۷۶ یک مؤسسه در حال پخش یا روی آنتن دو ماهه راجع به «برنج، آفت و بیماری‌های شایع» برنامه‌ای تدارک دید (لیبرو، ۱۹۸۵: ۵).

در رادیوهای توسعه‌ای پیرو مکتب فریره، توجه بیشتر بر روی کاهش منزوی بودن از لحاظ اقتصادی - اجتماعی است تا از بین بردن ریشه‌های فقر. با تأمین مالی کردن آنها از طریق مؤسسه برتون وودز ممکن است، در توسعه رادیویی به مسائلی از قبیل عقب‌ماندگی و توسعه توجه نشود و به جایش به مسائل دیگری

مانند ایجاد عزت نفس، خودباوری و اتحاد در میان افراد پرداخته شود؛ یعنی توجه به مسائلی که عمدتاً توسط برنامه‌ریزان ملی پخش برنامه‌ها نادیده گرفته می‌شود. برای نمونه در جنوب آفریقا، **رادیوی بوش وسترن کپ (Western Capes Bush Radio)** در سال ۱۹۹۲ به صورت رسمی یک انجمن داوطلبانه و غیرانتفاعی راه‌اندازی شد و توسط افراد و سازمان‌هایی که از طریق چندین بنیاد خیریه تأمین مالی می‌شد شروع به کار نمود (گوموچو، ۲۰۰۱: ۲۱۴). علیرغم، مسائلی همچون نژادپرستی اجتماعی و مشکلات فنی، این شبکه موفق شد که در سال ۱۹۹۵ برنامه پخش کند. **رادیو بوش** توسط اعضای خویش فعالیت می‌کرد و آموزش‌هایی در بخش رادیویی ارائه می‌داد. این شبکه به زبان‌های آفریکانس، خوزا و انگلیسی برنامه پخش می‌کرد و اعضای آن این فرصت و شانس را داشتند که در مورد اجرای برنامه‌ها بینش و بصیرت داشته باشند و به صورت ماهانه جلسات بحث و بررسی با شماری از شرکت‌کنندگان تشکیل دهند که بخشی از یک تیم ۷۰ نفره داوطلبانه بودند (همان: ۲۱۵).

هلن مولنر و میکمل میدو (۲۰۰۱: ۲۴) یادآور می‌شوند که «پخش برنامه‌ها برای ساکنان بومی خیلی کند و آرام ولی پیوسته بوده است» و به صورت‌های منفی و احساسی، بیش از حد ساکنان اصلی و اولیه و فرهنگ‌شان در رسانه‌های اصلی قرار گرفته‌اند. دولت تلاش می‌کند که برای آنها برنامه‌ای را آغاز کند که از دهه ۱۹۷۰ شروع شده است، اما حقیقت این بود که تا قبل از اواخر دهه ۱۹۷۰، دولت نمی‌توانست حمایت مالی مناسبی به آنها بکند. پخش برنامه‌ها برای ساکنان بومی با برنامه‌هایی که قبلاً توسط شبکه‌های **Melbourne, Queensland, Tasmania** و **Canberra** از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ پخش می‌شد، شروع شد. حدود دهه ۱۹۹۰، قریب ۹۵ ایستگاه پخش برنامه‌ها برای ساکنان بومی وجود داشت که ۱۰۰۰ ساعت در هفته برنامه پخش می‌کرد که ۸۰ تا از آنها در مناطق دوردست برنامه پخش می‌کردند.

در سال ۱۹۹۶، یک سرویس رادیویی بومی ملی (NIRS) تأسیس شد و ایستگاه‌های پخش برنامه، شبکه‌های مربوط به ساکنان بومی در مناطق دوردست، منطقه‌ای و کلان‌شهرها را به هم وصل و مرتبط نمود (همان). این عمل یک مکمل برای مبادله برنامه‌ها برای ساکنان بومی (TAPE) - که در سال ۱۹۸۵ تشکیل شده بود - تلقی می‌شد که به صورت نوارهای هفتگی برای همه ایستگاه‌های رادیویی ساکنین بومی توزیع و پخش می‌شد. با توجه به پخش برنامه‌ها برای طرح ساکنان بومی و دورافتاده (BRACHS)، مولنار و میدو (۲۰۰۱: ۳۷) بر اهمیت مشاوره با گروه تأکید کردند و این نکته را یادآور شدند که دولت استرالیایی «برای مردم ساکنان مناطق دورافتاده و بومی‌بدون گفت‌وگو و مذاکره تصمیم‌گیری کرده است» و تلاش هم نکرد که BRACHS را در بین ساختارهای اجتماعی ارجح نهد.

پخش‌کنندگان برنامه‌های رادیویی که متشکل از افراد مذهبی می‌باشند مانند **رادیوی بهائیت** اکوادور توجه به توسعه اقتصادی و اجتماعی کامپسینوها (مردم ده) روستایی دارند، در حالی که هم‌زمان قادرند «میراث و هویت فرهنگی خودشان را حفظ کنند» (حین، ۱۹۸۸: ۹ و ۱۷). این رادیو در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شروع به کار نمود، هنگامی که بسیاری از کامپسینوهای منطقه اوتاولو به بهائیت گرویدند. این عامل را اول پاورن، بهایی سرمایه‌دار آن محل تشویق و ترغیب کرد که به فکر استفاده از رادیو «به‌عنوان یک ابزار سودمند برای گسترش آموزه‌های دین بهائیت و خدمت و کمک به گروه‌های تازه بهایی شده بیفتند.» (همان: ۱۸)

در اکتبر ۱۹۷۷، بعد از مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... رادیوی بهایی دل اکوادور به پخش برنامه‌ها در ۱۴۲۰ کیلومتر و ۲۰ وات پرداخت و در همان ابتدا، توانست شش ساعت برنامه به صورت روزانه را تحت پوشش قرار دهد. بعدها این مدت به ۱۹ ساعت در روز رسید. این رادیو به زبان‌های اسپانیولی و کویچوا (Quichua) برنامه پخش می‌کرد و توجه بیشترش بر آموزش و توسعه با «هدف نهایی ترویج یگانگی و

با کمک‌های مالی و ضمانت دولت مکزیک،
مؤسسه ملی بومیان با نام اختصاری (INI) در
سال ۱۹۴۸ تشکیل شد که موفق به اداره حدود
۲۲ ایستگاه رادیویی شد.

وحدانیت بشر بود» (همان: ۲۳). آژانس بین‌المللی کانادایی توسعه (CIDA) در دهه ۱۹۸۰ وارد این پروژه مشترک با راه‌اندازی یک ایستگاه شد که نیازمند به کسانی بود تا بتوانند به صورت داوطلبانه ساعت‌های زیادی در آنجا اضافه کار کنند و به خاطر «موقعیت محدودشان در مؤسسات اجتماعی» کامپسینو، این فرایند بسیار پیچیده، طولانی و مشکل می‌شد (همان: ۴۵).

با کمک‌های مالی و ضمانت دولت مکزیک، مؤسسه ملی بومیان با نام اختصاری (INI) (Nacional Indigenista) در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد که موفق به اداره حدود ۲۲ ایستگاه رادیویی شد (وارگاس، ۱۹۹۵). یکی از این رادیوها که تحت مدیریت این شبکه بود، **رادیو مارگاریتاس (Margaritas Radio)** بود که هدفش همانند رادیوهای دیگر «بیان و خطاب قراردادن مسائل و مشکلات ساکنان بومی منطقه بود» (همان: ۱۱). **رادیو مارگاریتاس** در منطقه‌ای به نام چیپاس که در لاس مارگاریتاس قرار داشت، توسعه یافت و این شهر در سال ۱۹۹۴ توسط ارتش شورشان زاپاتیستا تسخیر شد و از آن پس یک منطقه ۲۰ هزار کیلومتر مربعی را تحت پوشش قرار می‌داد (گوموچو،

۲۰۰۱؛ وارگاس، ۱۹۹۵). برنامه‌های شبکه *INI* به زبان اسپانیولی و زبان‌های بومی و محلی است که در برنامه‌هایشان به موزیک محلی و پیام شنوندگان یا اویسوها (*avisos*) (آگهی‌ها و نظریات)، برنامه‌های سنتی و فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و برنامه‌هایی راجع به دولت و قانون، کلاس‌های زبان و برخی از دیگر برنامه‌های تهیه‌شده توسط مردم محلی، توجه خاصی می‌شد (همان: ۱۱۸-۹۵). نمایش و پخش برنامه‌های این رادیو از لحاظ مدیریت و برنامه‌ریزی به صورت بومی است.

هنگامی که برنامه‌ریزان به روستاها سفر می‌کنند تا موزیک، حرف‌ها و داستان‌های مردم آنجا را ضبط کنند، برای انجام این کار از شنوندگان علاقه‌مند مصاحبه به عمل می‌آورند (همان: ۸۷). با وجود این، لوسیلا وارگاس (۱۹۹۵: ۹۰-۸۸) چند فعالیت *INI* کوتاه و «همیشگی» با دسته‌های خودکامه قوی با ساختارهای انعطاف‌ناپذیر و خشک که به صورت غیراشتراکی و نژادپرستانه است را مشاهده نموده است.

در توسعه رادیوی مکتب فریره، رادیوهای مشارکتی به ICTهای دیگر ملحق می‌شوند. برای مثال، در سریلانکا، رادیوی مردمی کوت ماله (*Kothmale*) در ماواتیولا فناوری‌اش را ترقی داد و از سال ۱۹۸۸ این شبکه مجهز به «تلفن، ریز موج متصل به اینترنت، یک سرور و کارگاه متصل به اینترنت» شد (پرینگل و دیوید، ۲۰۰۳: ۹۴). این امر به افراد کمک کرده است تا دوره ببینند و از طریق برنامه‌هایی مانند جسته و گریخته خواندن رادیوی اینترنتی (*the Radio Browsing the Internet*) بتوانند با اینترنت کار کنند. در این برنامه، پخش‌کنندگان برنامه «دست به تحقیق موضوعات و وبسایت‌های مورد نیاز خودشان می‌زنند» و سپس به صورت زنده از اینترنت برای برنامه‌های رادیویی کامپیوتری در استودیوی پخش استفاده می‌کنند، با برنامه‌هایی که حاوی مطالبی راجع به بهداشت، قانون یا ICTها و تفسیرهای مهمانان برنامه و داوطلبان است که خود آنها مطالب اینترنتی را ترجمه و تفسیر کرده، آنها را برای شنوندگان رادیو پخش می‌کنند (همان: ۹۶).

فکرهای ثانویه

شدت و تندی مسائل و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جهان سوم با آن مواجه شده بود یک روش، اندیشه و تئوری قوی نیاز داشت که در خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزان تغییر و تحولاتی ایجاد کند که به بسیاری از این مردم منزوی-شده از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قدرت و اختیار داده شود تا تبدیل به شهروندان فعال، عاقل و سالم شوند. مهرا ماسانی (*Mehra Masani*) (۱۹۷۶: ۱۱۹ و ۱۲۰) راجع به نادیده‌انگاشتن و بی‌توجهی به جلسه‌های مشاوره و خطرات آن

هشدار می‌دهد و یادآور می‌شود که «رادیوهای مردمی در صورتی می‌توانند چنین باشند که تقاضاها و درخواست‌ها از سوی همین افراد باشد، به طوری که رادیو را قادر سازد تلاش‌ها و کمک‌های داوطلبانه را به سمت خود جذب کنند».

مشاهدات ماسانی از لحاظ وابستگی بیش از حد به طرح‌های جدید پخش برنامه‌ها و توسعه آن از طریق صندوق خیرات اروپایی، که منجر به ساخت اصطلاح جدیدی توسط دیوید کر (*David Kerr*) به نام «*NGOification*» از ارتباطات توسعه‌شده هست، بسیار حائز اهمیت است که نتیجتاً فقدان پایداری و ثبات را به همراه داشته است (منیوزو، ۲۰۰۴، در دست تهیه و زیر چاپ). به همین خاطر، دانشمندان آفریقایی ارتباطات اخطار داده‌اند که «جهان در حال رشد باید سیستم‌های ارتباطاتی خودش را توسعه دهد» یعنی این که پیچیدگی‌های سیستم‌های علمی بومی را در نظر داشته باشد، و به کشورهای توسعه‌یافته اجازه ندهد که در دستور جلسه‌ها و برنامه‌کار آنها دخالت کنند (انسو-کیه رمه، ۱۹۹۴: ۷).

در مؤسسه لاس‌باینوس، بنیادهای قوی باید در پخش برنامه‌های توسعه و ارتباطات توسعه، هم از لحاظ نظری و هم روشمند مورد تأیید و تأکید قرار گیرند تا در آن سازمان‌های مدرن و پیشرفته به جای تخته پرش و آغازگر دوباره‌اندیشی نقش ارتباطات در توسعه استفاده شوند. مؤسسات جاری لاس‌باینوس حتی در مهیاساختن آموزش‌های دوره لیسانس و بعد از آن در پخش برنامه‌های توسعه پیشقدم بوده‌اند. سازمان‌های معتبر و مشهور برتون وودز مانند FAO و بانک جهانی شایسته یادآوری ویژه به خاطر تلاش‌هایشان در مهیاکردن برنامه‌ها برای فقیرترین اقشار جامعه هستند؛ برنامه‌هایی که برای زندگی‌شان بسیار معنی دارند.

به‌عنوان یک شکل از توسعه مشارکتی، باید نوآوری‌هایی در توسعه پخش برنامه‌های رادیویی و فهماندن، بهترکردن، نوشتن، تولید و ارزیابی آنها انجام شود، به طوری که در سعادت و بهروزی‌شان نیز مؤثر باشد. مشارکت واقعی را نمی‌توان از طریق تعیین اهداف و پروژه‌ها به صورت ثابت و باید‌ها و نبایدها درک نمود، بلکه این امر باید از طریق فرایندهای دیالوگ‌محور و گفتگومانی با افراد انجام شود، که در آن مفاهیم توسعه و مشارکت برای مذاکرات و بحث‌های این‌چنینی باز و آزاد می‌باشد. موضوع دیگری که در اینجا حائز اهمیت است، ظرفیت‌سازی از لحاظ مدیریت اطلاعات برای افراد بومی است که تحت افزایش برنامه‌ریزی‌های توسعه و ساختارهای پخش برنامه‌هاست.

